

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)
سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، پیاپی ۲۷، صص ۱۷۳-۱۵۵

نقد و بررسی دیدگاه آلوسی در تبیین اراده تکوینی در آیه تطهیر

رضا نوروزی^۱

میثم دوست محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱۱

تاریخ تصویب: ۹۴/۰۳/۱۸

چکیده

آیه تطهیر در میان مفسران مذاهب اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و همواره مورد بحث و بررسی‌های مختلفی قرار گرفته است. تبیین نوع اراده موجود در این آیه، یکی از مهم‌ترین مسائل تفسیری آن بشمار می‌رود. شیعه معتقد است مراد از اراده در این آیه، اراده تکوینی است و خداوند از ابتدای خلقت با اراده تکوینی خود، طهارت اهل بیت(ع) از هرگونه پلیدی و زشتی را

r.nourouzy@yahoo.com

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه قم

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

mdoostmdoost@gmail.com

اراده کرده است و عصمت و طهارت آنها بدون درنگ حاصل شده است. در این مقاله ضمن طرح دیدگاه آلوسی مبنی بر تکوینی بودن اراده در این آیه و نیز مشروط بودن آن به انجام اوامر و ترک نواهی الهی، به نقد و ارزیابی آن می‌پردازیم. آلوسی آثار تکوینی اعمال نیک بر نفس انسان را مختص به اعمال اهل بیت (ع) دانسته و اعمال دیگران را فاقد چنین آثار قطعی می‌داند. این ادعای آلوسی از نظر آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) و مبانی حکمت اسلامی مردود و بی‌اساس است و در نتیجه نمی‌توان چنین شرطی را برای اراده تکوینی در آیه تطهیر در نظر گرفت.

واژه‌های کلیدی: آیه تطهیر، اراده تکوینی، اهل بیت (ع)،

عصمت، آلوسی.

۱. مقدمه

آیه تطهیر، «إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذِبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهَّرَكُم تَطْهِيرًا» (الاحزاب: ۳۳)، از جمله آیاتی است که در طول قرون متمادی مورد توجه ویژه علماء و مفسران جهان اسلام قرار گرفته است. آیه تطهیر اثبات گر فضیلت و برتری خاصی برای افرادی است که از آنها به عنوان «اهل البیت» یاد می‌کند. در میان مفسران مذاهب اسلامی اختلافات متعددی در تفسیر این آیه وجود دارد و نقاط مختلفی از این آیه را مورد بحث و بررسی‌های موشکافانه خود قرار داده‌اند. این امر سبب گردیده است که تبیین الفاظ این آیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردد چرا که ظهور معنای صحیح این آیه در گرو تبیین صحیح معانی مورد نظر از الفاظ آن است.

یکی از نقاط اصلی مورد اختلاف مفسران در این آیه، تبیین معنای «یُرِيذُ» با تعیین تکوینی یا تشریحی بودن اراده است. در اراده تکوینی خداوند متعلق اراده، فعلی از افعال خود اوست که مراد آن بدون هیچ تأخیری حاصل می‌شود و تخلف ناپذیر است. اما در اراده تشریحی متعلق اراده، فعلی از افعال انسان است و انسان آن را با اختیار و اراده خود

انجام می‌دهد و هیچ اجباری در آن وجود ندارد. از این رو، ممکن است انسان به انجام آن عمل اقدام نکند و در نتیجه آنچه مراد اراده تشریحی بوده است، حاصل نشود.

به اعتقاد شیعه مراد از اراده در آیه تطهیر، اراده تکوینی است که به صورت مطلق در این آیه به کار رفته و موجب نفی هرگونه پلیدی و زشتی از اهل بیت است و در نتیجه عصمت آنها توسط این آیه ثابت می‌شود. اما اغلب مفسران اهل سنت با این دیدگاه شیعه مخالفت کرده و اراده موجود در آن را اراده تشریحی دانسته‌اند که در این صورت ملازمه‌ای با عصمت نخواهد داشت و اختصاصی به اهل بیت نخواهد داشت چرا که خداوند با اراده تشریحی خود از همه انسان‌ها خواسته است که از پلیدی‌ها دوری کنند. در این میان اما آلوسی که از مفسران بنام اهل سنت است دیدگاه جدیدی مطرح نموده است. وی همانند شیعه اراده در این آیه را اراده تکوینی دانست اما معتقد است که این آیه هیچ ارتباطی به عصمت اهل بیت ندارد و نمی‌تواند دلیلی بر اثبات عصمت آنها باشد. آلوسی این آیه را شامل همسران پیامبر(ص) می‌داند و آن را تعلیلی برای اوامر و نواهی موجود در آیات قبل و بعد به شمار آورده است. به عقیده او آیه تطهیر در معنای جمله شرطیه است که شرط آن از آیات قبل فهمیده می‌شود و معنای آیه این است که اگر «اهل البیت» به اوامر الهی عمل کنند و از محرّمات دوری گزینند، قطعاً این اعمال آنها دارای آثار تکوینی در دل و جان آنهاست و موجب تهذیب نفسشان می‌شود بر خلاف دیگران که اعمالشان از آثار تکوینی قطعی برخوردار نیست.

هر چند که برخی محققین در صدد پاسخگویی به این ادعای آلوسی بر آمده‌اند (فکری، ۱۳۸۴، ص ۲۲۶-۲۴۵) اما به نظر نگارنده پیچیدگی متن تفسیر آلوسی و عدم نظم منطقی آن موجب خطا و اشتباه در تشخیص مدعای اصلی او شده و این امر موجب شده تا پاسخ لازم به ادعای او داده نشود.^۱

۱. نویسنده کتاب مذکور، مدعای آلوسی مبنی بر تکوینی بودن اراده و مشروط بودن آن را به خوبی درک نکرده و به اشتباه به نقد و بررسی دیدگاه قائلین به اراده تشریحی پرداخته است. این امر موجب گردید تا نویسنده از نقد دیدگاه آلوسی که هدف اصلی وی از تدوین این کتاب است،

از این رو لازم بود با بررسی دقیق آیات و روایات و همچنین طرح مبانی حکمت اسلامی به نقد و بررسی دیدگاه آلوسی پرداخته شود تا در ضمن آن تفسیر صحیح این آیه مشخص شود.

۲. مراد از اراده در آیه تطهیر از دیدگاه شیعه

در دیدگاه شیعه با توجه به روایات متواتری که در متون حدیثی اهل سنت و شیعه وجود دارد، آیه تطهیر در خصوص پیامبر(ص)، حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) نازل شده است و مصادیق «أهل البیت» منحصر در این ذوات مقدس است. (حیدری، ۱۴۲۴، ص ۲۰۱-۲۳۲) با توجه به اینکه این آیه در مقام اثبات و ویژگی خاصی برای این اشخاص است تا آنها را از دیگر افراد متمایز کند، نمی‌توان اراده موجود در این آیه را اراده تشریحی دانست؛ زیرا اراده تشریحی الهی متعلق به صدور افعال خیر از همه فاعل‌های مختار و دوری آنها از محرّمات است و اختصاصی به اهل بیت ندارد، بلکه خداوند از همه انسان‌ها خواسته است از هر گونه پلیدی و رجسی دوری گزینند.

بنابراین اراده در این آیه چیزی جز اراده تکوینی نمی‌تواند باشد و اراده تکوینی خداوند قطعاً محقق می‌شود و چیزی نمی‌تواند مانع تحقق آن شود. در این آیه هیچ قید و شرطی برای تحقق اراده الهی وجود ندارد و بر این اساس از همان ابتداء خلقتشان، اراده الهی به پاکی آنها از هر گونه پلیدی تعلق گرفته است. همان‌طور که اهل لغت اشاره کرده‌اند لفظ «رجس» عام بوده و شامل همه پلیدی‌های ظاهری و باطنی، مادی و معنوی می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۲)

با توجه به اینکه گناهان انسان و حتی خطاهای او از جمله زشتی‌ها و پلیدی‌ها به شمار می‌آیند، مفاد آیه تطهیر این است که خداوند با اراده تکوینی خود هر گونه گناه و خطا و اشتباهی را از اهل بیت دور کرده است و آنها را واجد مقام عصمت گردانیده است. (علم الهدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۳۴؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۴۰) بنابراین

منحرف گردد و علاوه بر بی پاسخ ماندن ادعای آلوسی، غرض اصلی این کتاب نیز به طور کامل حاصل نشود.

دیدگاه شیعه این آیه دلیلی بر عصمت اهل بیت(ع) است. (حلی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۱؛ همو، ۱۴۱۵، ص ۵۴)

۳. مراد از اراده در دیدگاه آلوسی

آلوسی ابتداء به تبیین دایره مصادیق «أهل البيت» می پردازد و با استناد به سیاق آیات و برخی روایات ضعیف و متروک، دایره مصادیق را وسیع دانسته و آن را شامل همسران و فرزندان و بستگان نزدیک پیامبر(ص) و حتی اقطاب صوفیه می داند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۹۴-۱۹۹) وی پس از آن به سراغ تبیین اراده می رود و معتقد است مراد از اراده در آیه تطهیر اراده تکوینی است اما بر خلاف نظر شیعه این آیه هیچ دلالتی بر اثبات عصمت اهل بیت ندارد. وی می گوید: «و الإرادة علی معناها الحقیقی المستتبع للفعل و الآیة لا تقوم دلیلاً علی عصمة أهل بيته صَلَّى اللهُ عليه وسلّم وعلیهم وسلّم الموجودین حین نزولها و غیرهم». (همان، ص ۱۹۹)

به اعتقاد او این فراز از آیه در مقام تعلیل برای اوامر و نواهی وارد شده در آیات قبل است و معنایش این است: «خداوند می خواهد به وسیله اوامر و نواهی خود، شما اهل بیت را تطهیر کند» وی می گوید: «أَنَّ المعنى، حسبما ينساق إليه الذهن و يقتضيه وقوع الجملة موقع التعليل للنهي والأمر، نهاكم الله تعالى وأمرکم لأنه عزّ وجلّ یرید بنهیکم وأمرکم إذهاب الرجس عنکم و تطهیرکم و فی ذلك غاية المصلحة لکم ولا یرید بذلك امتحانکم و تکلیفکم بلا منفعة تعود إلیکم» (همان)

آلوسی بر این باور است که این آیه در ضمن خود شرطی را نیز به همراه دارد که مانع از اطلاق آیه می شود؛ زیرا این جمله مانند جمله کسی است که خطاب به عده ای می گوید: «خداوند می خواهد به وسیله آب تشنگی شما را برطرف کند» واضح است که در این جمله برطرف شدن عطش مشروط به نوشیدن آب است و مفاد جمله این است که خداوند به اراده تکوینی اراده می کند که عطش آن ها را توسط آب رفع کند اما این اراده مشروط به نوشیدن آب توسط آن ها است و هر چند در اینجا تحقق شرط (نوشیدن آب) اختیاری است و آن ها می توانند هیچ آبی ننوشند اما تحقق مشروط پس از تحقق شرط

قطعی و تخلف ناپذیر است و از آثار تکوینی شرط است و پس از نوشیدن آب قطعاً عطش آن‌ها از بین می‌رود.

وی می‌گوید: «هو علی معنی الشرط ای «یرید بنهیکم وأمرکم لیذهب عنکم الرجس ویطهرکم إن انتهیتم وائتمرتم» ضرورة أن أسلوب الآیه نحو أسلوب قول القائل لجماعه علم أنهم إذا شربوا الماء أذهب عنهم عطشهم لا محالة: «یرید الله سبحانه بالماء لیذهب عنکم العطش» فإنه علی معنی «یرید سبحانه بالماء إذهاب العطش عنکم إن شربتموه» فیکون المراد إذهاب العطش به شرط شرب المخاطبین الماء لا الإذهاب مطلقاً. (همان)

آلوسی معتقد است در آیه تطهیر نیز خداوند به اراده تکوینی خود اراده کرده است که اهل بیت را پاک کند اما این اراده مطلق نیست تا اثبات کننده عصمت آن‌ها باشد، بلکه مشروط به عمل کردن اهل بیت به اوامر الهی و ترک محرّمات است. بنابراین اگر اهل بیت به تکالیف الهی عمل کنند قطعاً از همه پلیدی‌ها و زشتی‌ها پاک می‌شوند. البته تحقق شرط قطعی نیست زیرا کسی اهل بیت را به انجام اوامر الهی و ترک نواهی اجبار نمی‌کند بلکه آنها با اختیار خود می‌توانند راه پیروی از دستورات الهی را در پیش گیرند و شرط لازم جهت حصول تطهیر خویش را فراهم آورند. آلوسی می‌گوید: «إذهاب الرجس والتطهیر بعد الانتهاء والائتمار، لأن المراد الإذهاب المذكور بشرطهما فهو متحقق الوقوع بعد تحقق الشرط وتحققه غیر معلوم إذ هو أمر اختیاری و لیس متعلّق الإرادة» (همان).

آلوسی بر این باور است که مراد از اذهاب رجس و تطهیر، از بین بردن مبادی گناهان است به این صورت که خداوند پس از اینکه اهل بیت به اوامر او عمل کردند و از محرّمات الهی دوری گزیدند، نفس آن‌ها را تهذیب می‌کند و قوای نفسانی (قوه شهویه، غضبیه و...) را به شکلی درمی‌آورد که دیگر گناهی از آن‌ها سر نمی‌زند. «والمراد بالرجس الذنب ویاذهابه إزالة مبادئه به تهذیب النفس وجعل قواها كالقوة الشهوانية والقوة الغضبية به حيث لا ينشأ عنهما ما ينشأ من الذنوب كالزنا و قتل النفس التي حرم الله تعالى» (همان).

و آلوسی مدعی است که خداوند از طرفی دیگر ذات اهل بیت را به ملکات و صفات نیکو مزین می‌کند تا منشأ بروز اعمال نیکو از آن‌ها باشند. در اینجا ملا حظه می‌شود که مشروط دانستن اراده در این آیه، می‌تواند اراده به اراده تشریحی معنا کند و در اراده

تشریحی با حصول تمام شرایط آثار آن نیز حاصل می‌شود و این اختصاصی به عده خاصی ندارد بلکه شامل همه مؤمنین می‌گردد. اراده تشریحی عصمت عملی می‌آورد در حالی در ادامه ثابت می‌شود که در این آیه سخن از عصمت علمی که منشأ آن علم لدنی است، در میان است که مرتبه والایی از پاکی و تقواست.

از آنجایی که این آیه در مقام اثبات ویژگی خاصی برای اهل بیت است، آلوسی این ویژگی را همان تحقق آثار اعمال نیک و کردار پسندیده آنها می‌داند؛ یعنی اگر اهل بیت به تکالیف الهی عمل کنند، این اعمال آثار تکوینی داشته و موجب تهذیب نفس و ایجاد ملکات و صفات نیکو در نفس آنها می‌شود. اما چنین آثار قطعی برای اعمال افراد دیگر وجود ندارد یعنی اگر کسی، غیر از اهل بیت، به اوامر الهی عمل کند و از محرّمات نیز دوری کند نباید انتظار داشته باشد که آن آثار در وجود او نیز حاصل شود. اگر کسی در تمام طول عمر خویش اعمال خود را با اخلاص کامل و با رعایت تمام احکام و شرایط انجام دهد، تحقق آن آثار برای او قطعی نخواهد بود و شاید هیچ تغییری در نفس او به وجود نیاید چرا که قطعیت آثار اعمال، مخصوص اهل بیت است و شامل دیگران نمی‌شود. آلوسی تصریح می‌کند: «الآیه متضمنة الوعد منه عزّ وجلّ لأهل بیت نبیه صلی الله علیه وسلم بأنهم إن ینتھوا عما ینھی عنه ویأتمروا بما یأمرهم به یندھب عنهم لا محالة مبادئ ما ینتھجون ویحلّیهم أجلّ تحلیه بما ینتھسون، وفیه ایماء إلی قبول أعمالهم وترتب الآثار الجمیلة علیها قطعا ویکون هذا خصوصیه لهم ومزیة علی من عداهم من حیث إن أولئک الأغیار إذا انتھوا واتّمروا لا یقطع لهم بحصول ذلک» (همان)

۴. بررسی و نقد

ملاحظه می‌شود که آلوسی از طرفی مانند علمای شیعه اراده در این آیه را اراده تکوینی می‌داند اما از طرفی دیگر این آیه را در معنای جمله شرطیه متشکل از شرط و جزاء می‌داند که مفاد جزاء به صراحت در آیه ذکر شده است اما مفاد شرط از مضمون آیات فهمیده می‌شود.

این ادعای آلوسی که آثار تکوینی اعمال عبادی و تبعیت از دستورات الهی را مختص به اهل بیت دانسته و اعمال دیگران را فاقد چنین آثار قطعی دانسته است، ادعایی تعجب برانگیز و از چنین مفسری دور از انتظار است و به نظر می‌رسد که برخی تعصبات مذهبی و گرایش‌های سلفی وی را به اظهار چنین ادعای بی‌اساسی واداشته است؛ چرا که آیات قرآن و روایات پیامبر(ص) چنین ادعایی را رد می‌کنند و اعمال خوب و بد همه انسان‌ها را دارای آثار تکوینی قطعی می‌دانند. همچنین این ادعای آلوسی طبق مبانی حکمت و عرفان اسلامی نیز مردود است.

۵. آثار تکوینی اعمال در قرآن و روایات

در دیدگاه قرآن کریم همه اعمال انسان دارای تأثیراتی قطعی بر نفس او هستند و مثبت و منفی بودن این آثار تابع نیک و بد بودن آن عمل است و نمی‌توان اعمال بخشی از مکلفین را فاقد تأثیرات تکوینی دانست. خداوند در قرآن در مورد اعمال تکذیب‌کنندگان روز قیامت و آثار تکوینی آن می‌فرماید: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (المطففين: ۱۴) یعنی «این چنین نیست که می‌گویند، بلکه گناهمانی که همواره مرتکب شده‌اند بر دل‌هایشان چرک و زنگار بسته است و حقایق را افسانه می‌پندارند».

این آیه بیانگر این است که گناهان این افراد در قلب و نفس آنها اثر گذاشته و موجب عدم درک حقایق گردیده است. در این آیه چند نکته وجود دارد. اول: قطعاً گناهان انسان باعث ایجاد صورت‌ها و نقش‌هایی در نفس می‌شوند. دوم: این صورت‌های اعمال زشت، از درک حقایق توسط نفس انسان جلوگیری می‌کنند. سوم: نفس انسان به حسب طبیعت خود دارای جلاء و صفایی است که حقیقت را درک می‌کند و حق را از باطل تشخیص می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۳۴)

همان گونه که تخلف از اوامر الهی دارای آثار تکوینی بر نفس است عمل به این اوامر و تبعیت از دستورات الهی نیز دارای آثار تکوینی مثبتی است. پیامبر(ص) در ذیل این آیه و در تبیین تأثیر قطعی اعمال نیک و بد بر نفس انسان‌ها می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَدْنَبَ كَانَتْ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ فِي قَلْبِهِ، فَإِنْ تَابَ وَتَزَعَّ وَاسْتَغْفَرَ صُقِلَ قَلْبُهُ وَ إِنْ زَادَ زَادَتْ حَتَّى يَغْلُوَ قَلْبُهُ،

ذَاكَ الرَّأْنُ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ: {كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ} (شیبانی، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۳۳۳؛ خرائطی، ۱۴۲۱، ص ۳۴)

یعنی اگر بنده ای گناهی مرتکب شود نقطه سیاهی در قلب او پدیدار می شود. اگر توبه و استغفار کند آن سیاهی برطرف می شود و قلب او داده می شود و جلاء می یابد اما اگر به آن گناه اصرار ورزد آن سیاهی نیز بیشتر می شود تا جایی که همه قلبش را فرامی گیرد و این همان زنگاری است که خدا در قرآن به آن اشاره نموده است.

این روایت در کتاب های حدیثی معتبر اهل سنت و شیعه وجود دارد (ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص ۴۳۴؛ نسائی، ۱۴۲۱، ج ۹، ص ۱۶۰ و ج ۱۰، ص ۳۲۸؛ بستنی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۱۰؛ رضی، ۱۴۲۲، ص ۳۶۳؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۱۴؛ طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۶) و مورد قبول علماء قرار گرفته و حاکم نیشابوری و ذهبی نیز آن را بنابر مبانی رجالی و حدیثی صحیح مُسَلِّم، صحیح دانسته اند (نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۵۱۷) و ناصر الدین البانی نیز آن را حسن دانسته است (قزوینی، بی تا، ص ۷۰۳) و شعیب ارنؤوط نیز آن را با عبارت «حدیث قوی» تأیید کرده است. (قزوینی، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۳۱۷)

مفسران متعددی از اهل سنت نیز در تفسیر سوره مطففین به این روایت اشاره کرده اند و آن را توضیح مناسبی برای این آیه دانسته اند. (واحدی، ۱۴۳۰، ج ۲۳، ص ۳۲۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۲۵؛ دمشقی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۳۵۰) همچنین آلوسی نیز این روایت را نقل کرده است و هیچ اشکالی بر آن وارد نکرده است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۲۷۹)

با توجه به اینکه این روایت، اعمال صالح و گناهان همه بندگان را دارای تأثیر قطعی مستقیم بر نفس و روح آنها دانسته است و آثار تکوینی و قطعی را مختص به اعمال عده خاصی نکرده است و از طرفی آلوسی پس از نقل این روایت هیچ توضیح و تعلیقی مبنی بر اختصاص این روایت به اعمال اهل بیت در ذیل آن نیاورده است، در می یابیم که وی بر خلاف سخنانش در تفسیر آیه تطهیر، در اینجا اعمال همه بندگان را دارای تأثیرات معنوی قطعی می داند.

پیامبر(ص) در روایت دیگری به بیان چهار دسته اعمالی که فاسد کننده قلب و جان انسان هستند می پردازند و قطعی بودن این آثار را مختص به عده خاصی نمی دانند. قال

رسول الله (ص): «أربع خصال مفسدة للقلوب، مجاراة الأحمق إن جاريتَه كنتَ مثله و إن سكتَ عنه سلمتَ و كثرةُ الذنوب و قد قال الله عزَّ وجلَّ: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» و الخلوَّة بالنساء و الاستماعُ منهنَّ و العملُ برأيهنَّ و مجالسةُ الموتى. قيل: یا رسول الله، و من الموتی؟ قال: كلٌّ غنىَّ قد أبطره غناه و إمامٌ جائرٌ». این روایت علاوه بر کتب اهل سنت (ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۲۷۰) در کتب حدیثی شیعه نیز آمده است. (مفید، ۱۴۱۳، امالی، ص ۳۱۵؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۸۳)

پیامبر اکرم (ص) در این روایت چهار عمل را به عنوان فاسد کننده قلب‌ها و نفوس انسان‌ها مطرح می‌کند که یکی از آنها کثرت گناهان است. این روایت نیز به ارتباط مستقیم میان اعمال و نفس انسان تصریح می‌کند و این ارتباط را شامل اعمال همه انسان‌ها می‌داند و قطعی بودن آثار اعمال را برای اعمال همه انسان‌ها دانسته است. آلوسی نیز این روایت را نقل کرده و در ذیل این روایت هیچ تعلیقی بیان نمی‌کند و آن را مختص به اعمال اهل بیت نمی‌کند که این امر نشان از پذیرش گستره وسیع این روایت دارد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۲۷۹) پذیرش این دو روایت توسط آلوسی، در تناقض آشکاری با ادعای وی در تفسیر آیه تطهیر است.

هچنین پیامبر (ص) در روایت دیگری آثار سخن گفتن به غیر ذکر خدا را بیان می‌فرماید: «لَا تُكثِرُوا الْكَلَامَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْكَلَامِ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَسْوَةٌ لِلْقَلْبِ، وَإِنَّ أْبْعَدَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْقَلْبُ الْقَاسِي» (ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۶۰۷؛ بیهقی، ۱۴۲۳، ج ۷، ص ۲۸) یعنی یکی از اعمالی که بر قلب و جان انسان تأثیر منفی می‌گذارد و موجب قساوت قلب می‌شود، زیادی سخن بیهوده است. پیامبر اکرم (ص) همان‌طور که در مورد آثار گناهان بر قلب و نفس انسان سخن گفته‌اند در خصوص آثار نیکوی ترک گناه نیز بیاناتی دارند.

به عنوان نمونه در روایتی پیامبر (ص) فرمودند: «إِنَّ النَّظْرَةَ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ مَنْ تَرَكَهَا مَخَافَتِي أَبْدَلْتُهُ إِيمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ» (طبرانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۷۳) یعنی ترک نگاه حرام موجب تقویت ایمان و درک شیرینی آن در قلب می‌شود. بنابراین از مجموع آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) به این نتیجه می‌رسیم که اعمال خوب و بد همه

انسان‌ها دارای آثار تکوینی بر نفس و روح آنها هستند و ادعای آلوسی مبنی بر اختصاص آثار تکوینی به اعمال اهل بیت بی‌اساس و باطل است.

۶. آثار اعمال در حکمت اسلامی

ادعای آلوسی مبنی بر اختصاص آثار تکوینی به اعمال اهل بیت از منظر حکمای اسلامی نیز مردود است. در دیدگاه حکماء و فلاسفه، اعمال هر انسانی دارای آثار تکوینی و قطعی بر نفس او است. هر عملی که انسان مرتکب می‌شود تأثیر خاصی بر نفس می‌گذارد و برای مدت کوتاهی حالتی را در او ایجاد می‌کند و مثبت یا منفی بودن آن اثر، تابع حسن یا قبح آن عمل است. در دیدگاه آن‌ها وقتی انسان بر عملی مداومت می‌ورزد و آن را تکرار می‌کند، این تکرار موجب استحکام و بقای بیش از پیش آن اثر و آن حالت می‌شود و موجب به وجود آمدن ملکه نفسانی متناسب با آن عمل می‌گردد. (ابن سینا، ۱۳۷۵، ص ۱۴۹؛ شیرازی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۲۲۷ و ۲۹۰؛ سبزواری، ۱۳۷۲، ص ۴۹۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۰۹۸؛ همو، ۱۳۸۷، ص ۲۹۶؛ جرجانی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۱؛ رازی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۰۸)

اگر آن عمل خیر و نیکو باشد ملکه حاصل از آن نیز یکی از ملکات نیکو است (شیرازی، ۱۳۵۴، ص ۴۶۳) مانند ملکه تواضع، ملکه حیاء و عفت. اینگونه ملکات نفسانی موجب نورانی شدن نفس انسان می‌شود و باعث ارتقاء نفس در مراتب معنوی و الهی می‌گردد و از این پس، آن ملکه منشأ ادامه اعمال نیک گذشته خواهد بود و آن اعمال به سهولت و بدون مشقت از انسان صادر می‌شود.

همچنین تکرار اعمال زشت و پلید نیز باعث تقویت امیال حیوانی و به وجود آمدن ملکه آن‌ها در نفس انسان می‌شود (همو، ۱۳۶۰، ص ۲۰۲) که این ملکات باعث تقویت جنبه حیوانی انسان می‌شود و نفس انسان را پلید و سیاه می‌کند. (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۲۷؛ سبزواری، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۶۲۴) این قاعده در مورد تحصیل ملکه فنون و مهارت‌های مختلف دیگر نیز وجود دارد. (شیرازی، بی‌تا، ص ۱۶۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۵، ص ۳۱)

به عنوان مثال برای بدست آوردن ملکه کتابت لازم است که انسان شروع به نوشتن کند. در ابتدای امر تسلط او بر نوشتن بسیار کم است اما پس از تکرار فراوان، نفس او با نوشتن اُنس می‌گیرد و ملکه کتابت در او حاصل می‌شود و در نتیجه کاملاً بر نوشتن مسلط می‌گردد و بدون هیچ سختی به کتابت می‌پردازد. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱، ص ۸۸) بر این اساس، از دیدگاه فلاسفه تجسّم اعمال انسان در آخرت، همان تحقّق ملکات و صفات نفسانی است که انسان در دنیا به سبب تکرار اعمال نیک یا بد کسب کرده است. آیات و روایات مختلفی برای تأیید این مبنای فلاسفه بیان شده است. (شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۲۸۸ و ۲۹۴-۲۹۵؛ جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۵، ص ۵۸۲-۵۸۶) بنابراین همه اعمال انسان‌ها دارای تأثیر تکوینی و قطعی بر نفس انسان هستند و این آثار هیچ اختصاصی به اعمال اهل بیت ندارد.

این تحلیل حکمای اسلامی از کیفیت تأثیر اعمال بر نفس انسان، توسط برخی از مفسران مانند فخر رازی و بیضاوی و ابن عاشور نیز مطرح شده و مورد پذیرش قرار گرفته است (همان، ج ۲۱، ص ۴۳۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۹۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۵۲۲) و حتی آلوسی نیز آن را در تفسیر خود مطرح می‌کند و هیچ نقد و اشکالی نسبت به آن وارد نمی‌کند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۶۹)

آلوسی در جای دیگری از تفسیر خود، به تبیین مراتب نفس می‌پردازد و معتقد است اولین مرتبه نفس، انجام تکالیف شرعی، تقوا و زهد است و باید در این مرتبه، اخلاص و توجه به خدا را افزایش داد و از حبّ شهوات و وسوسه‌های نفسانی اجتناب کرد تا به مرتبه دوم از مراتب نفس یعنی تهذیب باطن و ترک ملکات و صفات اخلاقی پلید دست یافت. اگر سالک همچنان به مواظبت بر طهارت، عبادت، مراقبه و محاسبه ادامه دهد حالات خوش معنوی، مانند: شوق، عشق و وجد، به طور موقت در او به وجود می‌آید و پس از مدتی این حالات، استقرار یافته و تبدیل به ملکات نفسانی می‌شوند و سالک به مرتبه سوم از مراتب نفس می‌رسد. (همان، ج ۸، ص ۱۵۰)

آلوسی این مراتب را در مقام تبیین رابطه میان نفس انسان و اذکار و افکار بیان می‌کند و مانند اصحاب حکمت و عرفان اسلامی، اعمال انسان را دارای آثار تکوینی قطعی

و تخلف ناپذیر بر نفس انسان دانسته و این را از ویژگی‌های نفس انسان به حساب آورده است و به هیچ وجه قطعیت این آثار را مختصّ به اهل بیت ندانسته است. اما معلوم نیست که چرا ایشان هنگامی که به تفسیر آیه تطهیر می‌رسد سخنان گذشته خویش را نادیده می‌گیرد و آثار تکوینی و قطعی اعمال عبادی را مختصّ به اعمال نیک اهل بیت می‌داند. از مطالب مذکور معلوم گردید که آن شرطی که آلوسی در ضمن آیه تطهیر در نظر گرفته است باعث نمی‌شود که این آیه بتواند هیچ ویژگی و برتری خاصی برای اهل بیت پیامبر(ص) ثابت کند چرا که اعمال همه انسان‌ها دارای آثار تکوینی و قطعی در شکل‌گیری ملکات نفسانی است و این آثار اختصاصی به عده خاصی ندارد. بنابراین اطلاق اراده تکوینی در آیه تطهیر به حال خود باقی است و همان‌طور که هیچ قرینه لفظی برای تفسیر آن وجود ندارد، هیچ قرینه معنوی و غیر لفظی نیز برای تفسیر این اراده موجود نیست و لازمه اطلاق اراده تکوینی در آیه تطهیر این است که خداوند از ابتدای خلقت اهل بیت، با اراده تکوینی خود هرگونه پلیدی و خطایی را از آنها دور کرده است. در حقیقت این آیه دلیل محکمی برای اثبات عصمت اهل بیت پیامبر(ص) و پاکی آنها در طول مدت عمر از هر گناه و خطایی است.

۷. تخلف ناپذیری اراده تکوینی در دیدگاه شیعه

آلوسی در ذیل آیه تطهیر و در ردّ دیدگاه شیعه مبنی بر ملازمه اراده تکوینی و عصمت اهل بیت، به سخنی از شاه عبد‌العزیز دهلوی (دهلوی، ۱۳۷۳، ص ۸۵ و ۱۵۲-۱۵۳) اشاره می‌کند. وی مدعی شده است که اعتقاد به تخلف ناپذیری اراده تکوینی خداوند، مخصوص اهل سنت است و شیعه معتقد است آنچه که خداوند به اراده تکوینی خود اراده می‌کند ممکن است محقق نشود و اراده تکوینی او تخلف پذیر است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۹۸)

این ادعای او نشان دهنده جهل وی به مبانی شیعه در اراده خداوند و افعال اوست. (محسنی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۹۰) زیرا شیعه معتقد است اراده تکوینی خداوند تخلف ناپذیر است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۹۴) و علمای شیعه بر این اعتقادند که هرچه را که

خداوند به اراده تکوینی خود اراده کند بدون معطلی حاصل می‌شود و هیچ موجودی نمی‌تواند مانع تحقق مُراد او شود. (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۶۸؛ سبحانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۰۲؛ آملی، ۱۴۰۵، ص ۲۶۴؛ فاضل، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۵۱۵)

بنابراین از مباحث مطرح شده در این بخش به این نتیجه می‌رسیم که در این آیه اراده تکوینی خداوند، بدون هیچ قیدی، به رفع رجس و پلیدی از اهل بیت تعلق گرفته است و اراده تکوینی خداوند از دیدگاه اهل سنت و نیز شیعه تخلف ناپذیر است و در نتیجه عصمت و پاکی اهل بیت از هر گناه و آلودگی ثابت می‌شود.

باید توجه شود که این آیه در مقام تعلیل برای امر و نهی همسران پیامبر(ص) وارد شده است اما نه به آن معنایی که آلوسی بیان کرده است بلکه به این معنا که دلیل اینکه خداوند همسران پیامبر(ص) را به طور خاص مورد امر و نهی قرار داده و به آن‌ها توجه ویژه‌ای نموده این است که آن‌ها با ذوات مقدسی مرتبط هستند که در اوج پاکی و عصمت قرار دارند به گونه‌ای که خداوند نمی‌خواهد حتی به خاطر گناه و اشتباه اشخاص مرتبط با این ذوات مقدس آلودگی و عیبی به آن‌ها برسد.

بنابراین خداوند می‌فرماید شما مانند زنان دیگر نیستید زیرا شما با اهل بیت عصمت و طهارت مرتبطید و باید بیش از دیگران مراقب رفتار خود باشید چرا که خطا و گناه شما موجب کسر شأن این ذوات مقدس می‌شود. (مظفر، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۷۳) خداوند با این آیه میان اهالی خانه ظاهری و مادی پیامبر(ص) و اهالی خانه معنوی و در اوج پاکی و عصمت پیامبر(ص) رابطه ایجاد کرده است و این آیه در موضع حقیقی و وحیانی خود قرار دارد و هیچ تغییری و جابجایی صورت نگرفته است. (صادقی، ۱۳۶۵، ج ۲۴، ص ۱۱۲)

نتیجه‌گیری

از مباحث گذشته به این نتیجه می‌رسیم که ادعای آلوسی مبنی بر انحصار آثار معنوی و تکوینی اعمال عبادی به اعمال اهل بیت باطل و فاقد دلیل عقلی و نقلی است و آثار تکوینی و قطعی اعمال نیک و بد در نفس انسان اختصاصی به اهل بیت ندارد و بر اساس آیات قرآن و روایات پیامبر(ص) و مبانی حکمت اسلامی، اعمال همه انسان‌ها دارای آثار

تکوینی و قطعی بر نفس آن‌ها است و تکرار اعمال نیک موجب پیدایش ملکات و صفات اخلاقی نیکو در نفس انسان می‌شود و همچنین تکرار و استمرار اعمال زشت و قبیح نیز باعث پیدایش ملکات و صفات حیوانی در نفس انسان و موجب سیاهی و پلیدی آن می‌گردد.

بنابراین شرطی که آلوسی در ضمن آیه تطهیر در نظر گرفته بود بی‌اساس است و هیچ دلیلی بر آن وجود ندارد و اراده تکوینی موجود در آیه تطهیر مطلق بوده و هیچ قید لفظی و غیر لفظی برای تقیید آن وجود ندارد. بنابراین آیه تطهیر در صدد بیان این است که اراده تکوینی خدای متعال به پاک شدن اهل بیت(ع) از هر خطا و اشتباه و پلیدی تعلق گرفته است که در نتیجه، این ذوات مقدس از ابتدای خلقتشان از هر گونه ناپاکی و پلیدی به دور بوده و از هر خطا و اشتباهی معصوم هستند.

منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی، محمود بن عبد الله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، تحقیق علی عبد الباری عطیة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- آملی، میرزا هاشم (۱۴۰۵ق)، *تقریرات الأصول*، تقریر ضیاء الدین نجفی، تهران: موسسه انتشارات فراهانی.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۱۵ق)، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، تحقیق علی محمد معوض و عادل أحمد عبد الموجود، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن سینا، شیخ الرئیس (۱۳۷۵)، *الاشارات و التنبیها*، قم: نشر البلاغة.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق)، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاريخ.
- بستی، محمد بن حبان (۱۴۱۴ق)، *صحیح ابن حبان*، تحقیق شعیب الأرنؤوط، بیروت: مؤسسه الرسالة.

- بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸ق)، **أنوار التنزیل وأسرار التأویل**، تحقیق محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بیهقی، ابوبکر (۱۴۲۳ق)، **شعب الإیمان**، تحقیق عبد العلی عبد الحمید حامد، ریاض: مکتبه الرشد.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵ق)، **سنن الترمذی**، تحقیق أحمد محمد شاکر و دیگران، مصر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۳۷۰)، **کتاب التعريفات**، تهران: ناصر خسرو.
- جمعی از مؤلفان (۱۳۸۵)، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۷۹)، **منهاج الکرامه فی معرفه الإمامه**، مشهد: مؤسسه عاشورا.
- همو، (۱۴۱۵ق)، **مناهج الیقین فی أصول الدین**، تحقیق یعقوب مراغی، تهران: دار الاسوه.
- حیدری، سید کمال (۱۴۲۴ق)، **العصمه**، قم: دارفراقده.
- خراطی، محمد بن جعفر (۱۴۲۱ق)، **اعتلال القلوب**، تحقیق حمدی الدمرداش، مکه مکرمه: نزار مصطفی الباز.
- دمشقی، ابن کثیر (۱۴۲۰ق)، **تفسیر القرآن العظیم**، تحقیق سامی بن محمد سلامه، ریاض: دارطیبه.
- دهلوی، عبد العزیز (۱۳۷۳ق)، **مختصر التحفه الاثنی عشریه**، ترجمه محمد بن محیی الدین الأسلمی، تلخیص محمود شکرى الأوسى، تحقیق محب الدین الخطیب، قاهره: المطبعة السلفیه.
- رازی، فخر الدین (۱۴۰۷ق)، **المطالب العالیة من العلم الإلهی**، تحقیق حجازی سقا، بیروت: دار الكتاب العربی.
- همو، (۱۴۲۰ق)، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- راغب أصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت: الدار الشامیه.
- رضی، محمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، **المجازات النبویه**، تحقیق صبحی صالح، قم: دار الحدیث.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۴)، **الالهیات**، تقریر حسن مکی عاملی، قم: مؤسسه الامام الصادق(ع).
- سبزواری، هادی (۱۳۶۹)، **شرح المنظومه**، تحقیق مسعود طالبی، شرح حسن حسن زاده آملی، تهران: نشر ناب.
- همو، (۱۳۷۲)، **شرح الأسماء الحسنی**، تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران: دانشگاه تهران.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شبیبی، احمد بن حنبل (۱۴۲۱ق)، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، تحقیق شعیب الأرنؤوط و دیگران، بیروت: مؤسسه الرساله.
- شیرازی، صدر الدین (بی تا)، **الحاشیه علی الهیات الشفاء**، قم: بیدار.
- همو، (۱۳۵۴)، **المبدأ و المعاد**، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- همو، (۱۳۶۰)، **الشواهد الربوبیه**، تعلیق هادی سبزواری، تصحیح و تعلیق جلال الدین آشتیانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- همو، (۱۳۶۶)، **تفسیر القرآن الکریم**، تحقیق محمد خواجوی، قم: بیدار.
- همو، (۱۳۶۰)، **اسرار الآیات**، تصحیح محمد خواجوی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- همو، (۱۴۱۰ق)، **الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن**، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- طبرانی، سلیمان بن أحمد (بی تا)، المعجم الكبير، تحقیق حمدی بن عبد المجید السلفی، قاهره: مکتبه ابن تیمیة.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق)، **مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار**، نجف: المکتبه الحیدریة.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، **الأمالی**، قم: دار الثقافة.
- همو، (بی تا)، **التبیین فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عراقی، ضیاء الدین (۱۴۱۷ق)، **نهاية الأفكار**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علم الهدی، علی بن الحسین (۱۴۱۰ق)، **الشافی فی الإمامة**، تهران: مؤسسه الصادق (ع).
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۳۰ق)، **دراسات فی الأصول**، تقریر صمدعلی موسوی، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار (ع).
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، **روضه الواعظین و بصیره المتعظین**، قم: انتشارات رضی.
- فکری، مسعود (۱۳۸۴)، **پندارها و پاسخها: نقدی بر تفسیر روح المعانی در زمينه آیات مربوط به اهل بیت (ع)**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۳۸۷)، **المعارف**، تحقیق حسن قاسمی. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری (ره).
- همو، (۱۴۱۸ق)، **علم اليقین**، تحقیق محسن بیدارفر، قم: بیدار.
- همو، (۱۴۲۵ق)، **أنوار الحكمة**، تحقیق محسن بیدارفر، قم: بیدار.
- قزوینی، ابن ماجه (بی تا)، **سنن ابن ماجه**، تعلیقات محمد ناصر الدین البانی، گردآوری مشهور بن حسن آل سلمان، ریاض: مکتبه المعارف.
- همو، (۱۴۳۰ق)، **سنن ابن ماجه**، تحقیق شعيب الأرنبوط و دیگران، بیروت: دار الرسالة العالمیة.
- محسنی، محمد آصف (۱۴۲۸ق)، **صراط الحق**، قم: ذوی القربی.

- مظفر نجفی، محمد حسن (۱۴۲۲ق)، **دلائل الصادق**، قم: مؤسسه آل البيت.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، **الأمالی**، قم: کنگره شیخ مفید.
- همو، (۱۴۱۳ق)، **الفصول المختارة**، قم: کنگره شیخ مفید.
- نسائی، أحمد بن شعيب (۱۴۲۱ق)، **السنن الكبرى**، تحقیق حسن عبد المنعم شلبي، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- نیشابوری، أبو عبد الله (بی تا)، **المستدرک علی الصحیحین (وبذیلہ التلخیص للحافظ الذهبی)**، زیر نظر یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دارالمعرفة.
- واحدی، أحمد بن محمد (۱۴۳۰ق)، **التفسیر البسیط**، ریاض: جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامية.